

شناختی بر شیطان‌پرستی

بخش دوم

3 بهمن 1390

علی فرح‌بخش / رادیو کوچه

در پرونده‌ی گذشته به دین ایزدی یا یزیدی پرداختیم. دینی که پیروان آن، «ملک طاووس» را برترین فرشته‌ی خدا و حاکم بر جهان می‌دانند، هر چند این فرشته در ادیان ابراهیمی نظیر مسیحیت و اسلام، نمادیست از گمراهی و همواره در برابر خداوند قرار می‌گیرد و «شیطان»، واژه‌ایست که با لقب‌های منفی آمده بعد از آن، و با تصویر سیاه و دیوگونه‌اش در باور پیروان ادیان الهی، هیچ شباهتی به موجود زیبایی مانند طاووس ندارد.

تاریخ شیطان‌پرستی به‌وضوح مشخص نیست. عده‌ای از پژوهشگران بر این باورند که از آغاز پیدایش ادیان، گرایش به شیطان‌پرستی وجود داشته‌است. در ادیان ابراهیمی که به پشتوانه‌ی کتاب‌های مذهبی خود و روایت‌ها و آیه‌هایی که آن‌ها را منسوب به خدا می‌دانند، شیطان، موجودیست که آدم و حوا را در بهشت فریب داد و باعث اخراج آن‌ها شد.

بعضی پژوهشگران بر این باورند که شیطان، زاده‌ی کلیسا بوده‌است، به این معنی که در حقیقت، شیطانی که به این عظمت در سده‌های اخیر وجود دارد، پیش‌تر وجود نداشته، بلکه کلیسا در دوره‌های اولیه‌ی خود، به آن پر و بال داده و به‌عنوان سمبلی از مخالفت با خدا، آن را مطرح کرده تا بتواند رقبای خود را به شیطان منتسب کند و طرح براندازی مخالفان خود را از این طریق پیش ببرد. در این راستا بد نیست به اظهارات «پاپ بندیکت شانزدهم» در ماه اکتبر سال میلادی گذشته هم نیم‌نگاهی انداخت که وی نسبت به استفاده از زور و جنگ برای ترویج مسیحیت در سده‌های گذشته، انتقاد و اظهار ندامت کرد. او با اشاره به خشونت‌هایی که در تاریخ، برای ترویج مسیحیت رخ داده‌است گفت: «ما این را با شرم بزرگی تایید می‌کنیم. ولی کاملاً واضح است که این سوءاستفاده از ایمان مسیحی بوده‌است، چیزی که به وضوح با ذات واقعی آن در تضاد است.»

در ادیان ابراهیمی، به‌خصوص در اسلام و مسیحیت، باور به شیطان، در کنار باور به خدا وجود دارد. شیطان در این ادیان، سمبلیست از نافرمانی در برابر امر خداوند و فرشته‌ایست ترد شده که انسان‌ها را فریب می‌دهد. شیطان، باعث و بانی تمام انحراف‌های آدمیست و هر فرد خطاکاری را، بنده‌ی او لقب می‌دهند. بعضی مفسران مذهبی، به‌خصوص در دوره‌های معاصر، شیطان را نه یک موجود ماورایی، که نفس سرکش خود انسان تفسیر می‌کنند که با سرپیچی از فرمان خداوند، انسان را در موقعیتی غیر خدایی (یا شیطانی) قرار می‌دهد.

شیطان‌پرستی در جهان، به انواع و اقسام گوناگون وجود دارد. گروهی آن را به‌عنوان یک دین، باور دارند و بعضی صرفاً آن را یک رویه می‌دانند. در بعضی گرایش‌ها، شیطان‌پرستی به عنوان فلسفه‌ای مطرح می‌شود که در آن، مرکز و محوریت عالم هستی، خود انسان است. گروهی دیگر از شیطان‌پرستان، بر این باورند که شیطان، موجودی ماورایی و دارای قدرت است و می‌توان به قدرت‌های او تمسک جست.

پیش‌تر ذکر شد که شیطان‌پرستی، به باور بعضی پژوهشگران، فرقه‌ای بود که خود کلیسا به آن پرداخت تا رفتارهای نامطلوب مسیحیت را تحت لوای آن، از میان بردارد، اما عکس این نظر هم وجود دارد. گروهی نیز بر این باور هستند که جماعت مخالف کلیسا، برای ضدیت‌طلبی با آن، شیطان‌پرستی را به‌عنوان ابزاری برای مبارزه و مخالفت خود برگزیدند تا فقط بتوانند تقدس کلیسا در قرون وسطا را از میان بردارند. شیطان در مسیحیت، بسیار قدرتمند است، تا آن‌جا که قدرت او، گاهی با قدرت خدا همسانی دارد.

اما در دین اسلام، شیطان یا ابلیس، آن‌قدرها که در مسیحیت به آن پرداخته‌اند، موجود قدرتمندی نیست. او یک مخلوق دست خداست، فرشته‌ای (یا به تفسیر گروهی از پژوهشگران؛ جن‌ای) ترد شده که خدا به او فرصتی داده تا بتواند به هستی‌اش ادامه دهد. او می‌تواند از راه‌های محدودی، انسان را فریب دهد، همان‌گونه که آدم و حوا را در بهشت فریب داد. در جواب این پرسش مذهبی که چرا خدا، شیطان را پس از نافرمانی‌اش نابود نکرد، بعضی مفسرهای اسلامی، براین باورند که خدا تا پایان جهان به شیطان فرصت بودن داد تا بتواند از طریق این ابلیس، دوباره انسان را مانند آدم و حوا، مورد آزمایش قرار دهد و ببیند که تا چه اندازه انسان می‌تواند خوب و بد را تشخیص داده و به راه خدا (یا در اصطلاح اسلامی آن؛ صراط مستقیم) برود. مفسران اسلامی بر این باورند که خدا، برای مقابله با شیطان، به انسان ابزارهایی نظیر ایمان، عقل، معرفت، عبادت و غیره هم داده‌است تا وی بتواند به مسیر خود در راه رسیدن به خدا از این‌گونه هدیه‌های الهی، مدد گیرد.

شیطان‌پرستی، گونه‌های بسیار متفاوتی دارد، و البته مخالفان بسیاری. در دهه‌های اخیر، گروهی از جوان‌ها در کشورهای غربی، به انواع و اقسام شیطان‌پرستی گرایش یافته‌اند. نیاز به تذکر نیست که تعداد این افراد اندک است، اما موجودیت‌شان غیر قابل انکار است. گروهی از شیطان‌پرستان، در انجمن‌های زیرزمینی به فعالیت مشغول‌اند و گروهی نیز، آن را فقط در نوع مدل مو و آرایش مخصوص خودشان نمایان می‌کنند. گروهی از آن‌ها بی‌آزار هستند و گروهی نیز در کارهای شر، حضور پیدا

می‌کنند. گوناگونی گرایش‌های شیطان‌پرستی و اعمال و رفتارهای مختلف از سوی پیروانش، سبب می‌شود تا نتوان یک جمع‌بندی مناسب و کامل از این پدیده به‌دست آورد.

در ایران، به‌خصوص در سال‌های اخیر، زمزمه‌هایی به‌گوش می‌رسد از نشر عقاید شیطان‌پرستی در میان جوان‌های ایرانی. نگاه دولت جمهوری اسلامی و نیز اکثریت مسلمان ایران به این نوع باور و عقیده، به هیچ عنوان دارای انعطاف نبوده و به شدیدترین شکل ممکن، با آن برخورد می‌شود.

به گفته‌ی خبرگزاری‌ها و رسانه‌های ایران، جوان‌هایی که به شیطان‌پرستی روی آورده‌اند، همه در کارهای غیرقانونی، فساد جنسی و اخلاقی، قتل و امثال این اعمال حضور دارند و باید ریشه‌ی آن‌ها را از میان برد. در این میان، سمینارها و برنامه‌های رسانه‌ای بسیاری هم برگزار و تولید شده‌اند. در مقابل، افراد گرایش یافته به شیطان‌پرستی، به فعالیت‌های خود، به‌خصوص در اینترنت ادامه می‌دهند. در این میان نمی‌توان به صراحت گفت که گرایش به شیطان‌پرستی در ایران، فقط یک مد و ژست است یا دارای زیرساخت‌های فکری عمیقی‌ست، و یا ابراز مخالفتی‌ست با اسلام و دستاویزی برای دین‌ستیزی و ضدیت با حکومت دینی مستقر در ایران.

شیطان‌پرستان بر این اعتقادند که هر کس می‌تواند و آزاد است که باورهای خود را داشته باشد. این در حالی‌ست که دولت و جامعه‌ی مذهبی ایران، به هیچ عنوان، این امر را نمی‌پذیرد. این فرقه، نه فقط در ایران، که در بسیاری از کشورها و فرهنگ‌ها، قابل قبول نیست، حتا فرهنگ‌ها و سرزمین‌هایی که اکثریت مذهبی ندارند.

همان‌طور که آزادی باور و عقیده را نمی‌توان انکار کرد، بعضی اعمال و رفتار گروه‌های مخرب اجتماعی که خود را منسوب به شیطان‌پرستی می‌دانند هم نمی‌توان منکر شد. البته با توجه به تاریخ شیطان‌پرستی و بن‌مایه‌های اعتقادی پیچیده‌اش، آنچه قابل توجه می‌نماید این است که شیطان‌پرستی، فقط در مدل مو، آرایش سیاه و خاص صورت و زدن پوستر به دیوارهای سیاه و گوش کردن موسیقی خاص، خلاصه نمی‌شود و ممکن است در برهه‌ای از زمان، برای عده‌ای، یک هیجان زودگذر باشد. این در حالی‌ست که نمی‌توان باورهای عمیق بعضی افراد و گرایش آن‌ها با علم و آگاهی به آنچه را می‌طلبند، انکار کرد.

در پایان این یادداشت، نگاهی می‌اندازیم به نمادهای شیطان‌پرستی. نمادهای شیطان‌پرستی بسیار زیاد و مختلف‌اند که به ذکر چند نمونه از آن‌ها اکتفا می‌کنیم. برجسته‌ترین نماد شیطان‌پرستی، ستاره‌ی پنج‌پر است. ستاره‌ی پنج‌پر نمادی‌ست بسیار باستانی که پیرامون آن تفسیرهای گوناگونی مطرح شده‌است. آنچه مسلم می‌نماید این است که این نماد، توسط شیطان‌پرستان ابداع نشده. این نماد در شیطان‌پرستی، گاهی به‌صورت وارونه می‌آید و گاهی همراه با تصویر یک بز با ریش‌هایی بلند و صورتی خاص در وسط آن.

یکی دیگر از نمادهای مشهور شیطانپرستی، صلیب وارونه است. همان نماد مسیحیت که شیطانپرستان، آن را به صورت معکوس به گردن می‌آویزند و یا به تصویر می‌کشند.

صلیب شکسته نیز گاه با کمی تغییر و گاه به همان شکل خودش، از نمادهای شیطانپرستی است. بیش‌تر مردم، با دیدن این نماد، به یاد پرچم نازی‌های آلمان می‌افتند که هیتلر آن را به عنوان یک سمبل، وسط پرچم کشورش قرار داد و جنگ جهانی، سبب شد تا این نماد، مورد نفرت قرار گیرد. اما حقیقت امر این است که این نماد باستانی، در حقیقت ریشه‌ای ایرانی دارد و نام آن «گردونه مهر» یا «گردونه خورشید» است. این نماد، به احتمال بسیار زیاد، یادگاری است از «آیین مهر» یا «میتراپیسم» در ایران پیش از عصر زرتشت و طرحی است بسیار مقدس که حتا در فرهنگ‌های گوناگون و مکان‌های مذهبی ادیانی چون آیین بودا و مذهب هندو نیز به چشم می‌خورد.
